

جنوبی تیم ملی در دقیقه ۲۲ تعجب همگان را برانگیخت و گلی تماشایی تقدیم حریف کرد. او که خود آغازگر توفان بود پایان آن را نیز به نام خود تمام کرد.»

مری تیم بروژ همان «ارنست هاپل» افسانه‌ای بود که همزمان مربیگری تیم ملی هلند را در اختیار داشت. در دور اول بازی‌ها تیم ملی ایران در حالی با تیم ملی فرانسه بازی کرد که میشل پلاتینی غایب بود. ایران ابتدا در هتل سوفی سکنی گزید و بعد به هتل پارک دوپرنس نقل مکان کرد. پیش از این بازی خبرگزاری رویتر درباره بازی دوستانه ایران– فرانسه گزارش داده بود: «به دنبال پیدا شدن بمبی در ورزشگاه شهرداری تولوز، فرانسویان اقدامات امنیتی شدیدی را پیرامون بازیکنان ایران انجام داده‌اند و نام و محل اقامت میهمانان خود را از همه پنهان کرده‌اند. چند ناشناس هفته پیش نیز مخفیانه به ورزشگاه آمده و زمین را از آشغال و علف آلوده پر کرده بودند.» اشاره آنها به بچه‌های کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم آمریکا و اروپا بود که در آستانه انقلاب درصدد ایفای نقش بودند و خبر می‌دادند که کاپیتان تیم ملی قلیچ نیز با آنها سر و سری دارد.

روزنامه‌های ایران همچنین در توصیف بازی تیم ملی با تیم قدرتمند فرانسه (مساوی ۱–۱ در نود دقیقه و باخت ۱–۲ در وقت اضافه) نوشتند: «باخت ۱–۲ می‌تواند برای ما یک پیروزی باشد. به شرط اینکه از واقعیت دور نشویم و «غلو» را «هلو» جلوه ندهیم.»

### جام جهانی ۱۹۷۸

اسب حشمت از دی ۵۵ برای حضور در

جام جهانی ۷۸ زین شد. بعد از آنکه

پوز همگروه‌هایش –عربستان سعودی،

سوریه و عراق – را زد و به عنوان

صدرنشین به مرحله نهایی رسید آنجا در بازی‌های رفت و برگشت با استرالیا، کره جنوبی، کویت و هنگ کنگ باز بدون شکست و با شش پیروزی و دو تساوی، صدرنشین لایقی برای نمایندگی حوزه آسیا–اقیانوسیه شد. حالا دیگر حشمت از روی دست محمود آقا که استرالیایی‌ها انواع بلاهای روانی را سر تیمش آورده بودند درسش را درست پس داد و کاملاً هوشیارانه به دیدارهای رقیب اصلی‌اش رفت و در مرداد ۵۶ وقتی با تک گل روشن طفل شیرین حشمت از سد استرالیا گذشت و برای نخستین بار به بازی‌های جام جهانی راه یافت و افتخارات فوتبالفارس‌ی تکمیل شد.

اگر می‌خواهید بدانید آن روزها پیروزی بر عربستان چقدر برای ما راحت بود و آنها برای توسعه اولیه فوتبال‌شان چه کرده بودند این گزارش بهمنش را بخوانید که بعد از پیروزی ایران بر عرب‌ها از ریخت و پاش آنها برای توسعه فوتبال و ساختن استادیوم‌های آنچنانی با چمن مصنوعی و آوردن مربیان پنج میلیون دلاری تعجب کرده بود. آن روزها مربی خارجی در ایران صدهزار دلار هم حق و حقوق نمی‌گرفت

پس از پایان بازی‌هاوقتی تیم ایران به‌هتل آمدسروکله چندین‌ناشناس درسرسرای هتل پیدا‌شد. اینان دلانلو واسطه‌های تیم‌های‌دسته‌اول ودوم لیگ اسپانیابودندو پیشنهادهای خوب حتی بالای یکصد‌هزاردلاری رومی‌کردند امابه آنها تذکر داده‌شد که اینها فروشی نیستند!

اما عرب‌ها برای توسعه فوتبال خود ابتدا دست نیاز به سوی ستاره‌هایی چون پوشکاش و دی دی دراز کردند اما آنها مربیانی زودبازده نبودند که موی خود را در راه پرورش نهال کوچک فوتبال عرب و تبدیل آن به درخت بزرگ گردو، سفید کنند. عرب‌ها سپس انگشت روی نام «جیمی هیل» مفسر فوتبال و مربی وقت تیم کاونتری سیتی انگلیس گذاشتند. به چه قیمتی؟ پنج میلیون دلار برای ۵ سال! جیمی انگار که از آسمان همیشه ابری لندن، پول قلمبه‌ای افتاده باشد وسط رختکن اش. بلافاصله رفت سراغ بیل مگاری (مربی معروف انگلیسی و رهبر پیشین تیم‌های وانفورد و ایپسویچ) که تازه دو ماه بود اتلتیک بیلیانوی اسپانیا را تعلیم می‌داد. بیل به محض شنیدن مبلغ قرارداد و اینکه خدا پول تپل میلی را از آسمان رسانده، اسپانیا را جا گذاشت و خودش را به ریاض رساند. او برای دستیاری‌اش سه و نیم میلیون دلار (برای ۵ سال) گرفت یعنی دو مربی در مجموع هشت و نیم میلیون دلار کاسب شدند که بیایند درخت گردو در عربستان بکارند. با اینکه همه از قدرت سازماندهی بیل مگاری سخن می‌گفتند اما همین بازیکنان چمن مصنوعی ندیده ایران در همان بازی سه گل در دروازه عرب‌ها کاشتند و عرب‌ها از غصه رفتند اشتران خود را بچرانند.

تیم ایران در خرداد ۵۷ در حالی که چریک‌ها به امید پیروزی بر کاخ‌نشین‌ها خود را به کشتن می‌دادند به آرژانتین اعزام شد تا در گروه ۴ این رقابت‌ها با تیم‌های هلند، اسکاتلند و



عزیز اصلي

یاری

جلال طائی

اشرف کاشانی

غلام ولماخواه

حسین کلانی



مهرداد هاشمی



کارو حق‌وردیان



حسن حبیبی



منی‌چهر حبیبی



کاریم ححبیی



پرویز قلیچ‌خانی



مصطفی عرب



حسین فرزانی



فریدون موشی



اسفر شرفی

**هنوز طعم قهرمانی آسیا در جام ملت‌های ۱۹۶۸ از زیر زبان نسل‌های قدیم نرفته است. تیم محمود آقا بیانی به رهبری حسن آقا حبیبی تمام بازی‌هایش را برد**

پرو بازی کند و با دو شکست سنگین از هلند و پرو و کسب یک تساوی ۱–۱ برابر اسکاتلند به ایران برگشت بخورد و حشمت اشباع شده از تیم ملی با قراردادی چرب و چیل به پرسپولیس بپیوندد اما در آرژانتین کسب همین یک امتیاز هم مدیون پیشنهاد شرقی برای بازی دانایی فرد جنگجو بود و لابد از شانس خوب حشمت و مدیریت همراهان تیم که سرمربی وقت تیم ملی انگلیس که تیمش از حضور در جام جهانی بازمانده بود در محل اردوی ایران در گوش حشمت پچ پچ‌هایی کرد تا راه‌های پیروزی بر اسکاتلند را بگوید. پیش از آغاز جام جهانی ۱۹۷۸ جذاب‌ترین اظهارنظر متعلق به «وین دیس برگر» بازیکن تیم ملی هلند درباره حریفی به نام ایران بود: «ما باید مواظب آنها باشیم. به هر حال ما در قبال چند هزار فلورن (واحد پول هلند) با آنها بازی می‌کنیم ولی اگر ایرانی‌ها موفق به پیروزی در مقابل ما شوند به هر کدام‌شان چندین چاه نفت جایزه می‌دهند!»

قران می‌آورد و همه را به آن قسم می‌دهد که تا پای جان بجنگند خودش در اولین دقیقه بازی از روی توپ می‌پرد تا خدای نکرده با لگد حریف تماس پیدا نکند. راه رفتن، نهایت فداکاری اینهاست. یک تعداد دیگری هم می‌بینیم که چندان زحمتی به خود نمی‌دهند و سلامتی خویش را به هر پیروزی و افتخاری ترجیح می‌دهند. حجازی بیش از دیگران نگران این موضوع است. و ترس او بیشتر از جردن اسکاتلندی ناشی می‌شود. می‌گوید: «من در هر شرایط و هر زمینی نمی‌توانم توپ‌های هوایی را به تنهایی دفع کنم. حداقل نیمی از این بار سنگین را باید دفاع ما بر دوش کشد.» اما چه کسی روی سر جردن می‌تواند سر بزند؟ اگر خوب حمله کنیم بار سنگین دفاع را هم سبک کرده‌ایم. این روزها حال و هوای گلزن تیزهوش ما حسن روشن هم چندان روشن نیست. آیا او هم یک «زخمی‌نما» است؟ (بازیکنی که خود را به مریضی می‌زند).»

کار افتخارسازی حشمت با تیم ملی در جام جهانی تمام شد در حالی که تیم او می‌توانست در آذر ۵۷ با کسب دومین قهرمانی خود در بازی‌های آسیایی، رکوردی داغ‌تر و شیرین‌تر کسب کند اما حالا دیگر آتش انقلاب به خرمن فوتبال هم رسیده بود و چنین شد که کاروان ورزشکاران ایران نتوانست در بازی‌های آسیایی ۱۹۷۸ شرکت کند و دوماه بعد از این بازی‌ها بود که پایه‌های نظام شاهنشاهی فرو ریخت.

### دعوت به تیم منتخب جهان

در حالی که تیم ایران از جام جهانی ۱۹۷۸ به وطن بازگشته بود دعوت ایرج و آندرانیک به تیم منتخب جهان، غروری تازه به فوتبال ایران بخشید. وقتی دعوت‌نامه ایرج و آندرانیک برای بازی در تیم منتخب جهان به دست‌شان رسید از شادی در پیراهن‌شان نمی‌گنجیدند. این در حالی بود که یک دهه پیش از آنها اکبر افتخاری خیلی الله بختکی و از طریق گوش به گوش شنیده بود که به تیم منتخب آسیا دعوت شده است و باید برای بازی با آرسنال خود را به شرق قاره برساند. اکبر از طیاره تهران–لندن پایین کشیده شد و زندگی‌اش در قهوه‌خانه قاسم از پی گرفته شد اما ایرج و آندرانیک با همین دعوت‌نامه دیده شدند و بلکه پسندیده شدند. آنها کمی بعد سر از تیم کاسموس درآوردند و زندگی‌شان در ینگه دنیا به آلا ف اولوف رسید. دعوت کاسموس از ستاره‌های سراسر جهان، نخستین حضور بچه‌های ما در سطح اول فوتبال نمایشی دنیا بود که دوربین‌های سراسر جهان را با ستاره‌های ما آشنا می‌کرد. این دو، چند ماهی بود که از جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین بازگشته بودند. ایرج با به ثمر رساندن نخستین گل تاریخ فوتبال ایران در جام جهانی، نام خود را در میان گلزنان جام جهانی جای داده بود اما آندرانیک با وجود داشتن استایلی دلپذیر و جنگندگی بی‌بديل و بیمه کردن بک چپ تیم ملی در نیمه اول دهه پنجاه، صدالبته در جام جهانی در بعضی گل‌های خورده ایران بی‌تقصیر نبود اما به هر حال در میان ستاره‌های تیم ملی ایران قرعه به نام او افتاده بود و بدش نمی‌آمد که با این بهانه برای ادامه تحصیل و فوتبال به آمریکا برود و شانس خود را امتحان کند. آن روزها کاسموس نخستین باشگاه آمریکایی بود که با جذب سلطان پله و قیصر بکن باوشر درصدد بود فوتبال عقب مانده‌اش را با نمایش‌های تبلیغاتی تکان بدهد و با توجه به جذابیت فوتبال در میان جوانان غرب، خود را به صف توسعه یافته‌های فوتبال جهان

ویژه‌نامه آخر هفته

### پرونده هفته



برسانند. برگزاری مسابقه خیریه با تیم منتخب جهان از دل همین پروژه بیرون آمده بود. کاسموس در دعوت‌نامه تلگرافی‌اش به فدراسیون فوتبال ایران از دانایی‌فرد و اسکندریان دعوت خواسته بود که خود را به این مسابقه موسوم به «بزرگداشت پله» برسانند: «به یادبود اولین سال کناره‌گیری پله، فدراسیون فوتبال ایالات متحده و لیگ شمال کشور، به باشگاه کاسموس اجازه داده‌اند که در روز سی اوت مراسمی برگزار کند. اوج این مراسم مسابقه‌ای است که بین کاسموس و منتخبی از ستارگان جام جهانی ۱۹۷۸ برگزار می‌شود. قسمتی از درآمد این مراسم به یونسف اهدا می‌شود تا برای سال۱۹۷۹ که به عنوان سال کودک اعلام شده به طریق لازم هزینه شود. «آن دو بعد از حضور در این دیدار تشریفات با کاسموسی‌ها قرارداد بستند و سپس در آن کشور اقامت گزیدند. دومردی که از راه فوتبال توی بشکه عسل افتاده بودند و خوش شانس‌ی‌شان تومنی هفت صنار با اکبر افتخاری –دعوت شده به تیم منتخب آسیا– فرق داشت. همان اکبری که بعد از خداحافظی از فوتبال سال‌های سال پشت فرمان تاکسی نارنجی لکنته‌اش نشست و صورتش را از مسافرهایش دزدید که امجدیه روهای قدیمی او را چنین از پا افتاده و بی‌ی‌اور نبینند.

### داوطلبی میزبانی المپیک و جام جهانی

روز ۹ آبان ۱۳۵۶ روزنامه اطلاعات اعلام کرد که «ایران رسماً داوطلب میزبانی جام جهانی ۱۹۹۰ شده است. و تنها کشوری که رقبیش هست اتحاد جماهیر شوروی میزبان المپیک ۱۹۸۰ است. نشریه ساکرکرتر نوشت که فیفا درباره انتخاب یکی از این دو کشور تصمیم خواهد گرفت.»

سه سال پیش از داوطلبی ایران برای جام جهانی، کشورمان برای میزبانی المپیک داوطلب شده بود. روز چهارشنبه ۲۴ مهر ۱۳۵۳ روزنامه اطلاعات با تیتر: «ایران تقاضای برگزاری المپیک را می‌کند» نوشت: «ایران پس از برگزاری موفقیت‌بار بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تقاضای برگزاری المپیک سال ۱۹۸۴ و میزبانی بازی‌های جهانی دانشجویان را نیز خواهد کرد. این خبر را روز پیش حجت کاشانی معاون نخست‌وزیر و سرپرست سازمان تربیت بدنی در نطق خود در ضیافتی که برای پیروزی تیم ملی فوتبال ایران در هتل آریا شرایتون برپا شده بود اعلام کرد.» تیمسار حجت بعداً طی گفت‌وگویی با خبرنگاران تأکید کرد که ایران به قبول پیشنهاد خود برای برگزاری هر دو دوره بازی‌ها اطمینان دارد. حجت افزود: «ما حتی می‌توانستیم میزبان المپیک در سال ۱۹۸۰ باشیم چون این اطمینان برای ما وجود داشت که بر هردو شهر متقاضی دیگر برگزاری این دوره از بازی‌ها یعنی لس آنجلس و مسکو پیروز خواهیم شد ولی ما برای بازی‌های ۱۹۸۴ هیچ رقیبی را نداریم.» حجت در مورد بازی‌های جهانی دانشجویان نیز اظهار داشت: «به احتمال فراوان این بازی‌ها در تهران برگزار خواهد شد. ایران نخستین بار سال پیش داوطلب میزبانی از المپیک ۱۹۸۰ گردید که بعداً این پیشنهاد پس گرفته شد. لیکن در جریان بازی‌های آسیایی تهران ۱۹۷۴ که لرد کیلانین رئیس کمیته بین‌المللی المپیک نیز به تهران آمده بود با مشاهده کیفیت برگزاری بازی‌ها اعلام کرد که ایران با شایستگی بسیار می‌تواند میزبان بازی‌های المپیک نیز باشد.»

# ۱۴

# ۱۵